

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)

نسرین داود نیا (نویسنده مسوول)^۱

نسرین زرگرزاده دزفولی^۲

چکیده

بحث هویت ملی از پدیده‌های مهم و چالش‌برانگیز معاصر است که اندیشمندان زیادی را بر آن داشته تا راهکارهایی ارائه دهند و از استحاله فرهنگی جوانان ایران در فرهنگ‌های بیگانه جلوگیری کنند. یکی از ابزارهای مهم برای رسیدن به این مهم، بازبینی کتاب‌های درسی است. هدف پژوهش پیش‌رو بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه برای تحقق این امر است. نگارندگان در این مطالعه، در پی پاسخ به این پرسش هستند که کتاب‌های مذکور تا چه حد در انتقال، تقویت و تثبیت مؤلفه‌های هویت ملی موفق بوده‌اند؟ روش پژوهش از نوع کیفی و تحلیل محتواست که به شیوه اسنادی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، کتاب‌های فارسی ۱، ۲ و ۳ دوره دوم متوسطه (چاپ ۱۳۹۸) است. با نگاهی به یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که توزیع متعادلی نسبت به مؤلفه‌های هویت ملی صورت نگرفته و نقش دروس، صفحات و تصاویر کتاب‌های فارسی در شکل‌دهی و تقویت هویت ملی نوجوانان کم‌رنگ است. بیشترین میزان تأکید بر مؤلفه‌های «مشاهیر و نجیبان» و «زبان و ادبیات فارسی» و کمترین میزان تأکید بر دو مؤلفه «خرده‌فرهنگ‌ها» و «بناهای تاریخی و اماکن جغرافیایی» است. لازم به ذکر است که مباحث «نمادهای ملی»، «دین» و «فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی» نیز از توجه شایسته برخوردار نیستند؛ بر این اساس برای شکل‌دهی، توسعه و تثبیت هویت ملی در جوانان، لازم است کتاب‌های درسی به‌عنوان ابزار کلیدی و مهم مقوله هویت ملی، بازنگری شود.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، کتاب‌های فارسی، دوره دوم متوسطه

^۱ شاغل در آموزش و پرورش شهرستان دزفول n.davoudnia@yahoo.com

^۲ شاغل در آموزش و پرورش شهرستان دزفول nzd1390@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

مقدمه

یکی از پدیده‌های مهم دنیای مدرن، بحث هویت است که از جنبه‌های مختلفی قابل طرح است. هر چه سن کودک افزایش می‌یابد، «من درون» کودک گسترش می‌یابد و به مرور زمان فرد از لحاظ شخصیت نسبت به دیگران متمایز می‌شود. در دوره نوجوانی، فرد شخصیتی کاملاً مستقل می‌یابد که برخی این احساس تمایز دورنی را شخصیت^۳ و برخی دیگر هویت می‌نامند. هویت فرد به محض ورود به جامعه از همان دوران نوزادی کم‌کم شکل می‌گیرد؛ در صورتی که جستجوی یک هویت مستقل عمدتاً در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد (کوشا، ۱۳۸۷: ۱۳؛ به نقل از معروفی و پناهی توانا، ۱۳۹۳: ۸۴). در واقع می‌توان گفت «هویت، پاسخی به چیستی و کیستی هر فرد است و در واقع مجموعه خصوصیتی است که شخص را از دیگران متمایز می‌کند. از این رو، هیچ انسانی نمی‌تواند بدون داشتن هویت به زندگی اجتماعی خود ادامه دهد؛ بنابراین یکی از مسایل مهم و بحران‌های دوران نوجوانی و جوانی، تشکیل هویت و انسجام خود است که اریکسون در نظریه خود به صورت گسترده بدان پرداخته است» (ماسن و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۳۱).

بنابراین، یکی از دغدغه‌های اساسی کانون خانواده در عصر حاضر، بحث هویت و بحران هویت نوجوانان است. در بحث روان‌شناسی رشد از دوره نوجوانی به عنوان بحرانی‌ترین دوره زندگی یاد شده است؛ به طوری که «استانلی هال^۴، پدر روان‌شناسی نوجوانی و بلوغ، دوره نوجوانی را دوره فشار و طوفان می‌داند. همان‌گونه که طوفان به یک باره و بدون خبر، اثرات شدید و مخربی بر جای می‌گذارد، دوره نوجوانی نیز به طور ناگهانی با بلوغ شروع می‌شود و اثرات شدیدی بر رفتار و حالات نوجوان به جای می‌گذارد. چنانچه از ابتدای نوجوانی نتوان این طوفان را به صورت اصولی و سازمان‌یافته مهار کرد، ممکن است خسارات جبران‌ناپذیری را بر روان نوجوان بر جای نهد (نجفی علمی، ۱۳۸۹: ۱۲). در زمان‌های گذشته و نسل‌های پیشین، به علت کوچک بودن شهرها و نیز زندگی روستایی و هم‌چنین نبود وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های مختلف، امکان تبادل اطلاعات بسیار محدود بود. از این رو، مباحث هویت آن چنان با چالش روبه‌رو نمی‌شد؛ اما امروزه با وجود پدید آمدن فناوری‌های نوظهور و رسانه‌های مختلف و نیز مطرح شدن مسئله جهانی شدن، این معضل کمی پیچیده‌تر جلوه نموده است (همان). طی پژوهشی که در یکی از کشورهای غربی صورت گرفت و چند سال به طول انجامید، از افراد خواسته شد به این پرسش پاسخ دهند که «علت توجه‌شان به برنامه‌های تلویزیونی و سایر رسانه‌ها چیست؟» یک دسته از پاسخ‌ها کسب آگاهی در مورد خویشتن، تقویت ارزش‌های شخصی، یافتن الگوهای رفتاری، همانندسازی با ارزش‌های مورد

³ - Personality

⁴ - Stanley Hall

اعتنای دیگران و در یک کلام، «هویت‌یابی»^۵ بود(همان). افزون بر این، دنیای معاصر با وجود فناوری‌های نوین در عرصه ارتباطات، علاوه بر جنبه‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی بر هویت و نظام ارزشی و اعتقادی مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان تأثیری عمیق گذاشته‌است. نوجوانان از طریق رسانه‌های گروهی و ابزارهای بازی و سرگرمی و ماهواره‌ها و اینترنت در سطحی وسیع با سبک زندگی و مناسبات اجتماعی و فرهنگ و هنر و باورها و ارزش‌های بیگانه آشنا می‌شوند و هویت و نظام ارزشی و اعتقادی آنان دگرگون می‌شود. این تأثیر برای آن دسته از دانش‌آموزانی که بیشتر وقت خود را صرف دیدن این رسانه‌ها می‌کنند، بسیار نگران‌کننده است(لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳: ۸۹)؛ اما ناگفته نماند که هیچ کشوری نمی‌تواند برای غلبه بر این نگرانی، ارتباط خود را با دنیای پیرامون به‌طور کامل قطع کند و چشم خود را بر تکنولوژی جدید ببندد و جوانان خود را با حصارى در برابر امواج رو به گسترش فرهنگ‌های بیگانه محافظت کند. چنین کاری نه امکان‌پذیر و نه عاقلانه است؛ بلکه در تعامل فعال با دنیای پیرامون، ملتی موفق است که بنیادهای هویتی نوجوانان و جوانان خود را درست بنا نهد و در تقویت این بنیان‌ها کوشا باشد، تا از استحاله هویتی نسل آینده خود در فرهنگ بیگانه جلوگیری کند(معروفی و پناهی توانا، همان: ۱۲۰).

ایران از جمله کشورهایی است که هویت ملی آن در شرایط کنونی دستخوش چالش‌هایی شده‌است که مشکلات جدید و زیادی را پیش روی جوانان و نوجوان گشوده‌است(حاجیان، ۱۳۷۹؛ به نقل از صادق‌زاده و منادی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)، در این مسیر، عوامل مختلفی مانند نخبگان (دانشمندان، هنرمندان و نویسندگان)، آموزش و پرورش، خانواده و رسانه‌های ارتباط جمعی در تشکیل هویت تأثیرگذار هستند. از آن‌جا که دانش‌آموزان بیشتر وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند(صادق‌زاده و منادی، همان)، باید گفت آموزش و پرورش یکی از مؤثرترین نهادهایی است که در تثبیت و تقویت هویت جوانان نقشی چشمگیر دارد و یکی از بزرگترین مسئولیت‌های آن، رسالت جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است تا از این طریق هویت ملی، دینی و قومی آنان را شکل دهد(شمشیری، ۱۳۸۷: ۱۷). به باور دورکیم^۶ آموزش و پرورش ابزاری برای میل به انسجام اخلاقی و ساز و کاری است که از طریق آن هنجارها و ارزش‌های جامعه منتقل می‌شود(شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

با توجه به این که آموزش رسمی یکی از عوامل مؤثر بر هویت افراد جامعه است، آموزش هدفمند، منابع درسی و معلمان ابزارهای قدرتمندی هستند که می‌توانند با درونی‌سازی زبان مشترک و محتوای کتاب‌های درسی نقشی اساسی در تکوین و تقویت هویت فردی و اجتماعی ایفا کنند(معروفی و پناهی توانا، همان: ۱۲۰). لازم به ذکر است که ادبیات جوامع، مجموعه‌ای

⁵ - Identification

⁶ - Darkheim

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم...

متنوع و غنی از ارزش‌های بنیادی، تاریخی و میراث فرهنگی و در یک کلام، تمامی مؤلفه‌هایی است که هویت ملی و مذهبی آن جوامع را قوام و دوام می‌بخشد. از این رو، انتخاب کتاب‌های ادبیات فارسی به‌ویژه دوره متوسطه به‌عنوان دوره اصلی تشکیل و تثبیت هویت و تربیت شهروندی ضروری است (همان: ۸۹)؛ بنابراین در این جستار نگارندگان تلاش دارند که مؤلفه‌های هویت ملی را در کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم دوره جدید (چاپ سال ۱۳۹۸) مورد کنکاش و بررسی قرار دهند تا از این رهگذر به این پرسش پاسخ دهند: کتاب‌های فارسی دوره متوسطه دوم تا چه حد پاسخگوی برآوردن نیاز هویت ملی دانش‌آموزان است؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

نوجوانی

نوجوانی^۷ در اصطلاح روان‌شناسی دوره انتقال رشد جسمی و ذهنی است که اساساً بین کودکی و قبل از بلوغ رخ می‌دهد. طبق نظر اریکسون^۸، نوجوانی سنینی بین ۱۲ تا ۲۰ سالگی را شامل می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۳؛ به نقل از حسین خانی، ۱۳۸۵). «مشخصه عمده مرحله نوجوانی رشد تفکر انتزاعی است. توانمندی در همین تفکر انتزاعی نیز هست که به نوجوان امکان می‌دهد از تفکر کاملاً عینی وارد، جهان را و جامعه را به گونه‌ای دیگر تصور کند و اصول عام و جهان‌شمول و فارغ از زمان و مکان را درک نماید؛ اما همین قدرت تفکر انتزاعی نیز هست که در کنار تغییرات شگفت‌انگیز بدنی، او را با بحران هویتی دست به‌گریبان می‌سازد که سال‌ها به خود مشغولش می‌دارد. آن تفکر اکنون، به‌عینیت خویش می‌نگرد و به جست‌وجوی پاسخی به بنیادی‌ترین سؤال زندگی خود برمی‌آید: من کیستم؟» (خسرونژاد، ۱۳۸۹: ۱۷).

دوره‌ای بسیار مهم و بحرانی که در آن فرد با سؤالی اساسی در مورد هویت خود^۹ روبه‌رو است که باید به طریق مناسبی حل و فصل شود. در این دوره «شخص باید خودانگاره‌ی بامعنایی را شکل دهد که علاوه بر پیوستگی گذشته، یک جهت‌گیری نسبت به آینده را شامل شود؛ بنابراین، ترکیبی از عقاید ما براساس نحوه تفکر دیگران درباره ما و نیز نحوه‌ای که ما درباره خودمان فکر می‌کنیم، وجود دارد که به‌طور آرمانی باید تصویر با ثبات و مناسبی را به دست‌دهد. این تصویر، یعنی، تصویر خود فرد، وحدت هویت فرد را شکل می‌دهد. اریکسون بر این باور است که شکل-گیری و پذیرش هویت فرد تکلیفی کاملاً دشوار و اضطراب‌زاست که در آن نوجوان باید نقش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف را برای انتخاب مناسب‌ترین آن‌ها تجربه کند و یا بیازماید. اریکسون نوجوانی را به‌عنوان وقفه‌ای بین کودکی و بزرگسالی در نظر گرفته‌است؛ نوعی خودیابی روان‌شناختی که

7 - Adolescence

8 - Erik Eriksoon

9 -Ego Identity

برای اختصاص دادن زمان و انرژی به آزمودن نقش‌ها و تصاویر ذهنی، کاملاً ضروری است. افرادی که از این مرحله مشکل با یک احساس هویت قوی بیرون می‌آیند، آماده هستند تا با یک احساس بسط یافته از اطمینان به خود و اعتماد به نفس، با بزرگسالی آتی خود روبه‌رو شوند. افرادی که نتوانند به یک هویت منسجم دست یابند، افرادی که یک بحران هویت^{۱۰} را تجربه می‌کنند، چیزی را نشان می‌دهند که اریکسون آن را «بهام نقش»^{۱۱} می‌نامد. آن‌ها نمی‌دانند که کیستند و یا چه هستند، به کجا تعلق دارند و یا به کجا می‌خواهند بروند» (شولتز، ۱۳۸۳: ۳۳۲)؛ بنابراین، اریکسون برای این که فرد از مسیر و زنجیرهٔ بهنجار زندگی - تحصیل، شغل، ازدواج - کناره‌گیری نکند، بر حضور نوجوان در گروه‌های اجتماعی تأکید می‌کند تا از این طریق رشد مطلوب هویت فرد شکل گیرد (همان). در این جهت رشد مطلوب و تقویت هویت در نوجوان، «نظام آموزشی هر کشور، در کنار دستگاه‌های مسئول، باید بتواند به کمک مواد درسی و آثار ادبی درخور - در جایگاه یکی از منابع و ابزارهای مهم و اثربخش این حوزه - «من فردی» نوجوان را رفته‌رفته به «ما» تبدیل کند؛ یعنی نخست «من شخصی» را به عنوان عضوی از خانواده برای او تبیین کند و سپس او را در هیئت جمعی و ملی‌اش شناسایی و معرفی نماید، به گونه‌ای که نوجوان به واقع و از سر معرفت خود را جزیی همگرا از مردمان یک کشور با همهٔ طول و عرض تاریخی، جغرافیایی، زبانی، مذهبی و ملی‌اش احساس کند» (جوکار و ساکی، ۱۳۹۲: ۲۹).

هویت

هویت در معنای لغوی، یعنی حقیقت و ماهیت چیزی یا هویت پاسخ به سؤال چه کسی بودن و چگونه بودن است. در تعریف فلسفی، هویت همان حقیقت جزئی است: «الحقیقه تسمی هویه؛ یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود، هویت گویند». لذا می‌توان گفت هویت، تشخیص ماهیت در خارج است (کرجی، ۱۳۷۵: ۲۶۶-۲۶۵؛ به نقل از قربانی، ۱۳۸۳). اما واژهٔ هویت^{۱۲} که در زبان فارسی، این‌همانی و همانستی معنا شده است، می‌تواند هم به فرد و هم به جمع تعلق گیرد؛ یعنی هویت در افراد و احاد یک ملت رخ می‌دهد و سپس اجتماع را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین در تعریف آن می‌توان گفت: مجموعهٔ عوامل، آثار و نشانه‌هایی که یک فرد را از یک فرد دیگر متمایز می‌کند (اعم از سیاسی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی، دینی و...)، هویت نامیده می‌شود. هویت پدیده‌ای است که از من شروع و به ما منتهی می‌شود. به بیان دیگر، از احساس خود بودن به احساس همبستگی با اجتماع بزرگ ملی گسترش پیدا می‌کند. هویت فردی یعنی آگاهی فرد نسبت به خود و هویت اجتماعی عبارت است از تصور و آگاهی فرد از دیگران یا

10 -Identity Crisis

11 -Role Confusion

12 - Identity

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم...

گروه و اجتماعی که عضو آن است (ربانی، ۱۳۸۱: ۷۸). به باور میلر^{۱۳} مسئله هویت از مباحث اساسی مدرنیسم و پسامدرنیسم است که از دوره رنسانس به این سو مطرح بوده است (میلر، ۱۹۵۵: ۳۴ نقل از جوکار و ساکی، ۱۳۹۲: ۲۵)؛ اما به نظر می‌رسد پرسش‌های هویتی از قبیل «من که هستم؟»، «از کجا آمده‌ام؟» و «چه نسبتی با دیگران دارم؟» عمری به درازای زندگی بشر دارد (جوکار و ساکی، همان). نخستین بار فروید،^{۱۴} واژه هویت را به کار برد و سپس آن را با معنای ضمنی روانی- اجتماعی درآمیخت. در این‌جا اصطلاح هویت با معنایی ضمنی، به ارزش‌های منحصر به فردی اشاره می‌کند که با گذشته منحصر به فرد شخص پدید می‌آید؛ یعنی او بر اساس این فرایند بر هویت تکیه می‌کند (محسنی، ۱۳۷۵، به نقل از صادق‌زاده و منادی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). اریکسون نظریه فروید را گسترش داد و برخلاف فروید - که معتقد بود شخصیت فرد در ۵ سالگی یا کمی بیشتر شکل می‌گیرد- باور داشت که شخصیت در طول عمر و در مجموعه‌ای هشت مرحله‌ای رشد می‌کند. همچنین به باور اریکسون علاوه بر نیروهای زیستی، فرهنگ، جامعه و تاریخ نیز بر شخصیت تأثیرگذار هستند (شولتز و شولتز، ۱۳۷۹: ۶۷)؛ بنابراین، مهمترین نظریه‌ای که درباره هویت در روان‌شناسی وجود دارد، نظریه اریکسون است. به اعتقاد او، مفهوم هویت و بحران هویت در دوره نوجوانی مطرح است و با انتقال از نوجوانی به جوانی، یعنی زمانی که فرد به شخصی مستقل تبدیل می‌شود، هویت شکل می‌گیرد و در فرد تثبیت می‌شود (اکبرزاده، ۱۳۸۳: ۵۷).

بنابراین، بُعد روانی- اجتماعی جدیدی که در دوره نوجوانی پدیدار می‌شود، از یک سو دارای جنبه مثبت یافتن «هویت خود» یا هویتی مستقل برای فرد است و از سوی دیگر، دارای جنبه منفی احساس بی‌هویتی و گیجی در اتخاذ نقش روانی اجتماعی است. در این مرحله نوجوان وظیفه سنگینی به عهده دارد. او در گذشته، دانش و برداشتی درباره خود به دست آورده است و خود را به‌عنوان پسر یا دختر، قوی یا ضعیف، بلند یا کوتاه، زرتنگ یا تنبل، زشت یا زیبا، کم‌حرف یا پر حرف پذیرفته است. حال باید آن‌ها را به نحوی در یک قالب و مجموعه جای دهد که از خود هویتی واحد و منسجم احساس کند که در گذشته و آینده تداوم داشته باشد. بحران اساسی این دوره، زمانی رخ می‌دهد که بین دو جنبه مختلف ایگو (خود)، یعنی طلب هویت و سردرگمی در نقش اجتماعی- روانی تعارض وجود داشته باشد (شاملو، ۱۳۹۰: ۸۱).

شکست یک نوجوان در شکل‌دادن به هویت فردی^{۱۵} خود، اعم از این که به علت تجارب نامطلوب کودکی یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می‌کند که بحران هویت یا گم‌گشتگی را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، ناتوانی در انتخاب شغل یا ادامه تحصیلات، غالباً نمودی

¹³ - David Miller

¹⁴ - Freud

¹⁵ - Personal Identity

از بحران هویت در نقش اجتماعی است. بسیاری از نوجوانان، هنگامی که دچار بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خودبیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند؛ حتی گاهی به دنبال «هویت منفی» می‌گردند؛ یعنی هویتی درست برخلاف آن‌چه اولیا و جامعه از آن‌ها انتظار دارند (همان: ۸۳). از این رو، مجبور کردن فرد به اتخاذ هویتی که با شناخت وی از خودش سازگار نیست، ممکن است برای او ناراحتی زیادی به دنبال داشته‌باشد؛ مثلاً اجبار در رفتن به دانشگاه، ممکن است سبب شود که نوجوان در دوران تحصیل خوشحال نباشد یا درس‌هایش را نتواند خوب بخواند. فشار آوردن به افراد، به منظور پیش‌گرفتن یک هویت، ممکن است به ایجاد هویت منفی منجر شود، هویتی که با هویت مورد انتظار دیگران تضاد دارد. به باور اریکسون، برای اجتناب از هویت منفی، والدین و سایر افراد مهم زندگی فرد، صرفاً باید او را راهنمایی کنند و هرگز به جای او تصمیم نگیرند (گنجی و گنجی، ۱۳۹۱: ۳۵۱).

رشد نوجوان از لحاظ اجتماعی و عاطفی، در اصل شامل ارزیابی، بررسی و سنجش دنیا از سوی او و همچنین شیوه‌های ارتباط او با محیط اطراف است. نوجوان در جست‌وجوی ایده‌آل‌های خانوادگی، مذهبی، فلسفی و اجتماعی است تا این‌که آن‌ها را با نهادهای ناقص و محدودی که در اجتماع محدود اطراف خود می‌بیند، مقایسه کند (شاملو، همان: ۸۲-۸۱).

هنگامی که تعارض بین هویت و سرگشتگی در نقش اجتماعی، برای نوجوان به‌درستی حل شود، به تعهد^{۱۶} که صفت بارز مرحله نوجوانی است، دست می‌یابد. تعهد به‌عنوان سنگ زیربنای هویت، نشانگر استعداد نوجوان برای درک و پیروی از قوانین و مقررات سنتی، اخلاقی و ایدئولوژیک یک جامعه است. البته منظور از ایدئولوژی، مجموعه‌ای از ارزش‌های ناخودآگاه است که به‌صورت برداشت‌های مذهبی، علمی و اجتماعی پدیدار می‌شود. هدف ایدئولوژی، ایجاد تصویری در ذهن شخص است که احساس هویت فردی و جمعی را در او تقویت کند. ایدئولوژی‌ها به‌شکلی ساده به پرسش‌های اساسی و مهمی که در زمینه تعارض هویت پیش می‌آیند، نظیر این‌که «من که هستم؟» و «به کجا می‌روم؟»، پاسخ مشخص و معینی می‌دهند (همان: ۸۴-۸۳).

مراتب هویت ملی

هویت ملی از مقولاتی است که در قرن بیستم و بعد از شکل‌گیری سیاسی نظام بین‌المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد؛ هرچند که همواره یکی از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان ایرانی بوده‌است. هویت ملی نیز، مانند هویت، تعاریف مختلفی دارد. در یک تعریف، هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته‌شده‌است

^{۱۶} - تعهد در نوجوانان عبارت است از: «استعداد تداوم وفاداری آزادانه به یک سیستم اجتماعی، با وجود ارزش‌های

متضاد آن جامعه» (شاملو، ۱۳۹۰: ۸۳).

و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۷ - ۲۶). در تعریفی دیگر، «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه‌ی ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فرامحلی است» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۷۹). در تعبیری کامل‌تر هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی است (همان).

دو رویکرد کلی در مورد هویت وجود دارد. در رویکرد اول، هویت اعم از فردی و جمعی آن، اموری ذاتی و طبیعی هستند و تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی کمتر تغییر می‌کنند. در رویکرد دوم، هویت‌ها ساخته می‌شوند، ذاتی نیستند. بر همین اساس هویت‌ها اموری تغییرناپذیر نیستند و بسته به تغییرات محیطی و شدت و ضعف این تغییرات، دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند (قیصری، ۱۳۸۳ به نقل از معروفی و پناهی توانا، ۱۳۹۳: ۸۴). با توجه به پرسش‌هایی که درباره‌ی عوامل مؤثر در ایجاد هویت مطرح می‌شود، نشان از پذیرش رویکرد دوم در مورد پدیده‌ی هویت دارد. در تعریف هویت، انواع هویت فردی، نژادی، اخلاقی، حرفه‌ای، فیزیکی، جسمانی، فرهنگی و ملی، سیاسی، جهانی، جنسی و اکولوژیستی را نام برده‌اند (یوسفی و فلاحی، ۱۳۸۳).

عوامل بسیاری از جمله محیط زندگی، آموزش و تحصیل متون درسی، در ایجاد باورهای هویت‌ساز و بروز داشته‌های هویت‌آفرین دخیل هستند (جوکار و ساکی، ۱۳۹۲: ۲۵). آموزش که می‌توان آن را تربیت یا پرورش به معنای اعم کلمه دانست، عملی آگاهانه و انسانی است که فراتر از عوامل طبیعی یا غریزی عمل می‌کند و از این رو اثری معمولاً پایدار دارد. چنان‌که می‌دانیم، آموزش، حتی آموزش‌هایی که از راه‌هایی چون «شرطی‌شدن» صورت می‌گیرد، نیز به مرور زمان جزئی از خوی و منش فرد شده، از وجود او زایل نمی‌شود. آموزش و پرورش، مهمترین رکن توسعه‌ی همه‌جانبه به شمار می‌آید و معلمان و مربیان، کلیددار این توسعه محسوب می‌شوند؛ بنابراین، مدارس، مهمترین کانون تعلیم و تربیت، انسان‌سازی و فرهنگ‌سازی تلقی می‌شوند. به باور امروزه، مدرسه و فضای آموزشی، فقط دیوار، اتاق و اشیای بی روح نیست؛ بلکه فضا و عرصه‌ای است که هر بخش آن برای دانش‌آموزان پیامی در خود دارد و آداب و عاداتی را بر آنان تحمیل می‌کند؛ بنابراین، کلاس درس و تخته، میز و نیمکت و تجهیزات، راهرو و حیاط، زمین، کتاب‌خانه و آزمایشگاه هر کدام دارای یک فرهنگ است و توجه به این فرهنگ و روح حاکم بر آن، همراه با کتاب و معلم مجموعه‌ای از اهداف تعلیم و تربیت را ترتیب می‌دهد. در نتیجه مدرسه، بهترین جایی است که تجلی بخش مفاهیم ذهنی و نظری و تحقق بخش احساس مسئولیت اجتماعی است (مظفر، ۱۳۷۹: ۷۳) و انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی، مشخصه‌ی اصلی هویت را

تشکیل می‌دهند. اگرچه انتخاب این ارزش‌ها و هدف‌ها از نوجوانی شروع شده و در طول زندگی مورد توجه قرار می‌گیرند، ولی ضرورت دارد نوجوان به چنین هویتی دست یابد (خادمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۳). هویت ابعاد گوناگون دینی، ملی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و فردی دارد که به باور پوله،^{۱۷} هویت ملی زیربنای انواع دیگر هویت است (پوله، ۲۰۰۳، به نقل از جوکار و ساکی، ۱۳۹۳: ۲۵).

عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی

پژوهشگران، عناصر تشکیل‌دهنده متفاوتی را برای هویت ملی برمی‌شمارند. برخی از مهمترین عناصر هویت ملی سازمان سیاسی واحد، پیشینه مشترک تاریخی و فرهنگی، زبان، دین و سرزمین مشترک است. گروهی دیگر نیز هویت ملی را بر اساس تکوین سازمان سیاسی یا دولت تعریف می‌کنند. در این دیدگاه، ویژگی اساسی هویت ملی، وحدت در سازمان سیاسی و قانون مورد تبعیت است و به عناصر و امور فرهنگی توجه نمی‌شود (گودرزی، ۱۳۸۵، به نقل از صادق‌زاده و منادی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی، تمامی مشترکات فرهنگی اعم از: سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را شامل می‌شود؛ ارزش‌های دینی، تمام مشترکات دینی و فرهنگ دینی را شامل می‌شود؛ ارزش‌های جامعه‌ای به اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد و ارزش‌های انسانی، به کلیه اصول و قواعد انسانی، فارغ از هرگونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر نظر دارد (زهیری، ۱۳۸۱: ۲۰۱). البته در میان اندیشمندان علوم سیاسی، اجتماعی، جغرافیا، تاریخ و غیره، درباره اصلت هر یک از ارزش‌های فوق نسبت به دیگری اختلاف نظر وجود دارد. در جغرافیا، به سرزمین و تاریخ مشترک؛ در علوم اجتماعی، به زبان و دین مشترک و در علوم سیاسی، به ساختار سیاسی مشترک، ملیت و ملت و جامعه مدنی تأکید شده است. هویت ملی در کنار عناصر سازنده خود، ابعاد گوناگونی هم دارد که شامل ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی، زبان و ادبیات می‌شود. هر یک از این ابعاد، در تکوین و تشخیص هویت ملی، اهمیت خاص خود را دارد، بعد اجتماعی نشان‌دهنده تعلق شخص به یک محیط اجتماعی خاص است که محدوده هویت اجتماعی او را شکل می‌دهد؛ بعد تاریخی، عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دل‌بستگی به آن. و لذا، احساس هویت تاریخی و هم تاریخی‌پنداری، پیوند دهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر است که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می‌شود (همان)؛ در حالی که هویت ملی هر ملت، در درجه نخست زاینده محیط جغرافیایی آن ملت است؛ زیرا محیط جغرافیایی، تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم...

ملی به حساب می‌آید. هویت ملی در بعد سیاسی، در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی، عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند، از لحاظ روانی هم خود را اعضای آن نظام سیاسی بدانند (معمار، ۱۳۸۷: ۳۸). علی‌رغم تأثیر انکارناپذیر ابعاد فوق در هویت ملی، و با وجود شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی، مذهب در تمام ابعاد خود، هم‌چنان منبع مهمی برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌رود. شاخص‌های مهم هویت عمومی به شعایر، مناسک و نهادهای دینی و بالأخره مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی بازبسته است (روپسینگه، ۱۳۷۹: ۱۲۵). بعد فرهنگی هویت ملی نیز از مهم‌ترین اجزای هویت ملی یک جامعه است که سبب توافق فرهنگی می‌شود؛ زیرا فرهنگ و میراث فرهنگی یک ملت، کلیت زنده و پویای خلاقیت انسانی آن ملت است که به‌نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه، آن ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاخص‌های مهم این بعد شامل: آیین‌ها و سنت‌های عام، جشن‌ها و اعیاد، ارزش‌های سنتی، لباس و طرز پوشش، معماری بناها و مکان‌ها، رسوم، عرف و هنرهای ملی و بومی هستند (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۶). علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر هر جامعه، طبقات، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه نیز دارای فرهنگ ویژه خود هستند که ریزفرهنگ یا خرده‌فرهنگ خوانده می‌شود. در تعریف خرده‌فرهنگ گفته‌اند: خرده‌فرهنگ بر دستگاہی از ارزش‌ها، سلوک‌ها، شیوه‌های رفتار و طرز زندگی یک گروه اجتماعی که از فرهنگ مسلط جامعه مفروض، متمایز ولی با آن مرتبط است، اطلاق می‌شود (سازگار، ۱۳۷۷: ۹۹). به بیان دیگر، با بررسی فرهنگ اقوام ابتدایی و پیشرفته، متوجه می‌شویم که اقوام پیشرفته بخش‌های زندگی خود را تا مراحل ظریف‌تری تجزیه کرده‌اند. آن‌ها برای هر بخش انواع و اقسام قواعد و ابزار تهیه کرده‌اند و اعضای جامعه برای دستیابی به اهدافشان در تمام بخش‌ها، یک تقسیم کار در پیش گرفته‌اند و نقش‌های مختلف را بر عهده دارند. تحت این شرایط، به علت وجود بخش‌های تجزیه‌شده در اقوام پیشرفته، نظام فرهنگی ایجاد می‌شود که متشکل از خرده‌فرهنگ‌ها یا زیرفرهنگ‌های^{۱۸} مختلف و قابل تجزیه‌اند؛ به طوری که هر واحد اجتماعی کوچک نیز می‌تواند دارای مجموعه قواعد و ابزاری باشد که از طریق آن می‌توان فرهنگ آن را از فرهنگ واحد دیگر متمایز نمود (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲۹). خرده‌فرهنگ در واقع به فرهنگ عمومی یا نظام فرهنگی جامعه به‌خاطر ارتباط با نهادهای سنتی طبقه متوسط و پذیرش بسیاری از هنجارهای آن وابستگی دارد؛ ولی از آن‌جا که هر خرده‌فرهنگ، هنجارهای ویژه خودش را نیز داراست، از فرهنگ بزرگ‌تر تمایز می‌یابد. به احتمال زیاد افراد وابسته به خرده‌فرهنگ‌ها غالباً با رد و عدم قبول کسانی روبه‌رو می‌شوند که ارزش‌هایشان فرهنگ

عمومی غالب را می‌سازد (کوئن، ۱۳۸۵: ۴۳). زبان نیز، بعد مهمی از میراث مکتوب هر ملتی است. زبان نه تنها به‌عنوان یک محصول اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به‌عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی، در تولید و باز تولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه، نقش مهمی دارد. لذا، می‌توان گفت زبان یک ملت، نظام معنایی آن ملت است (همتی، ۱۳۷۸: ۱۲۳ - ۱۰۹). به باور شیخ‌آوندی، پرچم و سرود ملی از مظاهر تجلی نمادین یگانگی ملی به شمار می‌آیند. همچنین همزمانی به این معنا که همه اقوام کشور، یک روز از سال به‌عنوان آغاز سال شروع می‌کنند، از تجلیات دیگر هویت ملی محسوب می‌شود. میرمحمدی نیز جشن‌های ملی را از نمادهای همبستگی و هویت اقوام ایرانی می‌داند. لطف‌آبادی و نوروزی نیز معتقدند که هویت ملی ریشه‌های تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، تابعیت دولتی مشترک، دفاع از سرزمین، سنت‌های فرهنگی و ادب و زبان مشترک در بردارد. مؤلفه هنر نیز مظهر تجلی دریافت‌های عاطفی و نگرش از راه ذوق و احساس است؛ اما جوشش و رویش این مظاهر در میان هر قومی، بریده از مسایل فرهنگی و هویت‌های ملی آن قوم نیست. فرهنگ هر جامعه‌ای با الهامی که از جهان‌بینی حاکم بر آن جامعه می‌گیرد و همچنین به‌دلیل ارتباطی که با آداب و سنن و تاریخ جامعه دارد، در تعریف هنر و زیبایی و معیارهای آن، نقشی شایان توجه ایفا می‌کند (سلیمانیان، ۱۳۸۸: ۵۹). اسطوره^{۱۹} نیز با ایجاد پلی میان گذشته شکوهمند و آینده آرمانی، گروه‌های مردم را در این ایده که به کلیت واحدی به نام ملت تعلق دارند و از آینده مشترکی برخوردار هستند، متفق می‌سازد. این اتفاق آرا که از طریق کارکرد اسطوره حاصل می‌آید، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایده ملت و فرایند ملت‌سازی دارد. داستان قهرمان‌های شخصیت‌های تاریخی اساطیر، بدل به وظیفه مقدس یک ملت می‌گردد و شکاف‌های نسلی را در جوامع کهن‌تر پر می‌نماید (امینیان و مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۸). اسطوره‌ها، به‌ویژه در ابعاد سیاسی‌شان، عموماً به ابزاری برای معنادار نمودن فرهنگ سیاسی جوامع بدل گردیده و در پروژه ملت‌سازی، به‌عنوان نمونه‌های متعالی و الگوواره برای نسل‌های آینده به نمایش گذاشته می‌شوند. آنچه در این میان اهمیت می‌یابد، نحوه بهره‌گیری از اساطیر در ساخت هویت ملی و به تبع آن، مفهوم بخشیدن به ارزش‌های سیاسی مدنظر نخبگان برای شکل‌دادن به نگرش مردم یک کشور است؛ بنابراین، در فرآیند شکل‌گیری یک ملت، اسطوره به‌صورت طبیعی (و در مواردی عمدی) نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا می‌کند (امینیان و مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۹).

بنابراین با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده عناصر اصلی هویت ملی ایرانی را در مواردی چون فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی (آداب و رسوم، جشن‌ها، طرز لباس پوشیدن، غذا، باورها، خصوصیات

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم...

اخلاقی و...)، زبان و ادبیات فارسی (خط فارسی، شعر، حکایات، داستان‌ها، آثار ادبی، اصطلاحات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها، شاهنامه، بوستان، مثنوی و...، عدم به کارگیری الفاظ خارجی)، نمادهای ملی (پرچم، سرود ملی، تقویم ملی)، دین (آیین زرتشتی، اسلام، تشیع، عرفان و تصوف)، دفاع از سرزمین و تمامیت مرزی، هنر ایرانی (موسیقی، قالب بافی، معماری، تئاتر، نقاشی، کارهای دستی، خوشنویسی و مینیاتور)، بناهای تاریخی و اماکن جغرافیایی، خرده‌فرهنگ‌ها، مشاهیر و نخبگان و اساطیر (ملی، مذهبی، ادبی، علمی، سیاسی و دینی) می‌توان جستجو کرد.

هویت، بحث مهم و اساسی نوجوان معاصر است که صاحب‌نظران زیادی درباره آن به مطالعه پرداخته‌اند و مقالات زیادی در این باره به چاپ رسیده‌است. یکی از مباحث مهم هویت، بحث هویت ملی است که درباره آن پژوهش‌های بی‌شماری انجام شده‌است که در زیر به صورت مختصر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جوکار و ساکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عناصر و مضامین دینی و میهنی در اشعار کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی» به بررسی این مضامین پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر عدم تناسب میان عناصر میهنی و مذهبی در تقویت و ایجاد حس هویت‌یابی در دانش‌آموزان است. همچنین گل‌محمدی (۱۳۹۱)، پژوهشگر دیگری است که کتاب‌های داستانی نوجوانان را از لحاظ چگونگی تقویت هویت اسلامی- ایرانی مورد تحقیق قرار داده‌است. نتایج حاصله بیانگر این است که ۲۵ درصد کتاب‌های منتشرشده در کانون پرورش فکری کودکان از سال‌های ۵۹ تا ۸۹ دارای این ویژگی‌ها هستند. امینیان و مشهدی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان «نقش اسطوره‌ها در هویت ملی و ملت‌سازی: مورد ایران»، به بررسی نقش اسطوره‌ها در هویت ملی پرداخته‌اند.

افزون بر این، صادق‌زاده و منادی (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با عنوان «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ متوسطه: رشته علوم انسانی» به این نتیجه رسیدند که محتوای این کتاب‌ها به‌طور متعادل و متوازن به نمادهای ملی نپرداخته‌اند. همچنین خدایار و فتاحی (۱۳۸۷)، پژوهشی تحت عنوان «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش دوره متوسطه» انجام دادند. نتایج پژوهش بیانگر عملکرد ضعیف مؤلفان درسی آموزش و پرورش در مورد حوزه تمدن ایرانی چون پرچم، تنوع قومی و هویت جنسی است.

در این زمینه، خادمی و همکاران (۱۳۸۶) هم مؤلفه‌های هویت فرهنگی را در ۶۰۰ دانش‌آموز دوره راهنمایی شهر شیراز مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر بالابودن این مؤلفه‌ها در جامعه آماری مورد مطالعه بوده‌است. همچنین قلی‌زاده برهانی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر خانواده و کتاب‌های درس دینی به هویت دینی دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تبریز» به این نتیجه دست یافت که کتاب‌های درس دینی کمترین تأثیر را بر هویت دینی دانش‌آموزان دارند.

منادی (۱۳۸۳) نیز در پژوهش خود با عنوان «جهانی شدن، دستگاه‌های فرهنگی و جوانان ایرانی، آموزش و پرورش و گفتمان نوین» نتیجه گرفته است که علاقه‌مندی به وطن و ملی‌گرایی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه بسیار ضعیف است و تعداد انگشت‌شماری این علاقه را نشان داده‌اند. لطف‌آبادی (۱۳۸۲) هم در «پژوهشی در وضعیت و نگرش مسایل جوانان ایرانی» مقوله‌هایی چون تقویت هویت دینی و ملی را در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش بیانگر نارضایتی ۶۵ درصدی دانش‌آموزان از عملکرد ضعیف مدارس است. نجفی علمی (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «فناوری اطلاعات، نوجوانان و بحران هویت» به بررسی هویت جوانان پرداخته است. برادر و غلامی (۱۳۹۰)، پژوهشگران دیگری هستند که به بررسی مقایسه‌ای محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با مجله‌های فارسی کودکان در میزان پرداخت به نمادهای ایرانی پرداخته‌اند. معروفی و پناهی توانا (۱۳۹۳) هم پژوهشی با عنوان «جایگاه مؤلفه‌های ملی - مذهبی در محتوای کتاب‌های فارسی دوره متوسطه» انجام داده‌اند. پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که میزان تأکید بر مؤلفه‌های هویت ملی - مذهبی در محتوای کتاب‌های فارسی به صورتی متعادل صورت نگرفته است.

بنابراین، با توجه به پیشینه‌ای که ذکر شد، در کتاب‌های درسی سال‌های گذشته چنانکه باید به مسئله تقویت هویت ملی پرداخته نشده است. در این سال‌ها انتظار می‌رفت که مؤلفان کتاب‌های درسی با نگاهی دقیق به پژوهش‌های فوق، با برنامه‌ریزی بهتری به تألیف کتب جدید بپردازند و در جهت رفع ضعف‌های موجود و تقویت هویت ملی در محتوای کتب درسی تغییراتی انجام دهند. محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم در سال ۱۳۹۵ به کلی تغییر یافت و مورد بازنگری اساسی قرار گرفت. هدف پژوهش حاضر بررسی کتاب‌های درسی جدید است که تاکنون محتوای آن‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین جنبه نوآوری آن، نبود پژوهش هویت ملی در کتاب‌های فارسی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم سال ۱۳۹۸ است.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم است که تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه هویت ملی در آن‌ها انجام نشده است. روش این پژوهش، از نوع کیفی و تحلیل محتواست است که به شیوه کتاب‌خانه‌ای انجام شده است. این نوع پژوهش‌ها در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرند. به این صورت که نتایج بررسی می‌تواند در اختیار مؤلفان درسی قرار گیرد تا با بازبینی کتاب‌های درسی و با کاربرد این نتایج به تقویت موضوع مورد بحث در دانش‌آموزان کمک کند. بر این اساس، تمامی مؤلفه‌های مطرح شده در هویت ملی، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی (آداب و رسوم، جشن‌ها، طرز لباس پوشیدن، غذا، باورها، خصوصیات اخلاقی و...)، زبان و ادبیات فارسی (خط فارسی، شعر، حکایات، داستان‌ها، آثار ادبی، اصطلاحات عامیانه،

ضرب‌المثل‌ها، شاهنامه، بوستان، مثنوی و...، عدم به کارگیری الفاظ خارجی)، نمادهای ملی (پرچم، سرود ملی، تقویم ملی)، دین (اسلام، تشیع، عرفان و تصوف)، دفاع از سرزمین و تمامیت مرزی، هنر ایرانی (موسیقی، قالی‌بافی، معماری، تئاتر، نقاشی، کارهای دستی، خوشنویسی و مینیاتور)، بناهای تاریخی و اماکن جغرافیایی، خرده‌فرهنگ‌ها، مشاهیر و نخبگان (ملی، مذهبی، ادبی، علمی، سیاسی و دینی) و اساطیر از کتاب‌های درسی فارسی استخراج شده و برای مقایسه هر مؤلفه، جدول فراوانی و درصدی مشخص شده است (برادر و غلامی، ۱۳۹۰: ۱۵). این نوع تحلیل محتوا یکی از روش‌های علمی برای بررسی محتوای مدارک اسنادی است. در پایان بحث نیز نتایج حاصل از یافته‌های پژوهشی با پرسش پژوهش مطابقت داده شده است. لازم به ذکر است که واحد تحلیل در این پژوهش، درس، صفحات و تصاویر کتاب‌های درسی فارسی است، هم‌چنین، در این تحقیق از روش نمونه‌گیری استفاده نشده و کل کتاب‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، کتاب‌های فارسی ۱، ۲ و ۳ دوره متوسطه دوم در ۱۰ مقوله زبان و ادبیات فارسی، مشاهیر و نخبگان، هنر ایرانی، دفاع از سرزمین، نمادهای ملی، دین، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، اساطیر، بناهای تاریخی و خرده‌فرهنگ‌ها بررسی و تحلیل شدند. نتایج این پژوهش بیانگر این است که در مجموع کتاب‌ها ۶۷۶ مرتبه به مؤلفه‌های هویت ملی اشاره شده است. فراوانی و درصد این مؤلفه‌ها در جدول‌ها و نمودارهای ۱ تا ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۱- مشخصات کتاب‌های درسی فارسی ۱، ۲ و ۳ دوره متوسطه دوم

شماره کتاب	عنوان کتاب	سال چاپ	کد کتاب	تعداد صفحات
دهم	فارسی ۱	۱۳۹۸	۱۱۰۲۰۱	۱۶۸
یازدهم	فارسی ۲	۱۳۹۸	۱۱۱۲۰۱	۱۷۶
دوازدهم	فارسی ۳	۱۳۹۸	۱۱۲۲۰۱	۱۸۴

جدول شماره ۲- توصیف مؤلفه‌های هویت ملی به تفکیک هر مؤلفه در مجموع کتاب‌های

فارسی متوسطه دوم

مؤلفه	فراوانی	درصد
زبان و ادبیات فارسی	۱۷۹	۲۶,۴۷
مشاهیر و نخبگان	۱۹۷	۲۹,۱۴
دفاع از سرزمین	۵۹	۸,۷۲
فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی	۳۲	۴,۷۳

۴,۲۸	۲۹	دین
۴,۶۴	۱۹	نمادهای ملی
۱۴,۶۴	۹۹	هنر ایرانی
۴,۷۳	۳۲	اساطیر
۱,۹۲	۱۳	بناهای تاریخی و اماکن جغرافیایی
۲,۵۱	۱۷	خرده‌فرهنگ‌ها
٪۱۰۰	۶۷۶	جمع

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان‌می‌دهد که در سه کتاب مورد بررسی در کل ۶۷۶ مرتبه بر مؤلفه‌های هویت ملی تأکید شده‌است که سهم این مؤلفه‌ها در محتوای کتاب‌های درسی سه ساله دوره متوسطه دوم یکسان نیست و بیشترین میزان تأکید بر مؤلفه‌های «مشاهیر و نخبگان» و «زبان و ادبیات فارسی» به ترتیب با ۱۹۷ و ۱۷۹ مرتبه معادل ۱۴,۲۹ و ۲۶,۴۷ درصد صورت گرفته‌است. مؤلفه‌های «خرده‌فرهنگ‌ها» و «بناهای تاریخی» با ۱۳ و ۱۷ مرتبه و معادل ۵۱,۲ و ۱,۹۲ درصد به ترتیب کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است که مؤلفه‌های دین، اساطیر، نمادهای ملی و فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی نیز چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

جدول شماره ۳- فراوانی و درصد مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی ۱، ۲ و ۳ متوسطه

دوم

ف ب مؤلفه	فارسی ۱		فارسی ۲		فارسی ۳	
	فراوانی	د صد	فراوانی	درصد	راوانی	د صد
زبان و ادبیات فارسی	۲۲	۲۲,۶۰	۷۲	۴۴,۸۸	۲۲	۲۲,۵۱
مشاهیر و نخبگان	۴۶	۲۰	۶۹	۳۲,۰۹	۸۲	۳۵,۴۹
دفاع از سرزمین	۵۵	۰۰,۸۶	۱۱	۵,۱۱	۲۳	۹,۹۵
فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی	۸۱	۸,۶۹	۴	۱,۸۶	۸	۳,۴۶
دین	۱۹	۸,۲۶	۳	۱,۳۹	۷	۳,۰۳
نمادهای ملی	۱۲	۵,۲۱	۴	۱,۸۶	۳	۱,۲۹
هنر ایرانی	۳۷	۱۶,۰۸	۳۱	۱۴,۴۱	۳۱	۱۳,۴۱
اساطیر	۰۰	۴,۴۴	۸	۳,۷۲	۱۴	۶,۰۶

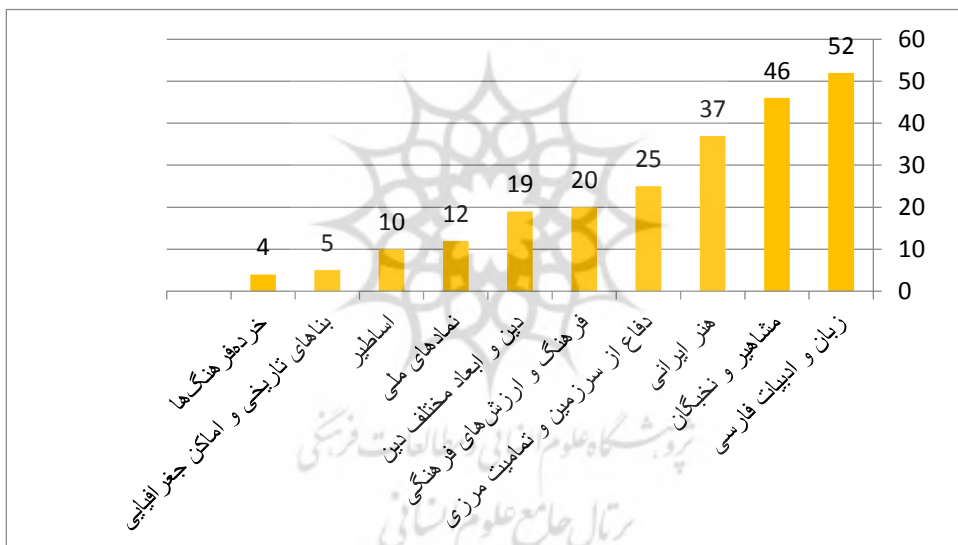
بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم...

۱,۱۶	۵	۱,۳۹	۳	۲,۱۷	۵	بناهای تاریخی و اماکن جغرافیایی
۲۱۵۹	۶	۳,۵۵	۷	۱,۷۳	۴	خرده‌فرهنگ‌ها
%۰۰۰	۲۳۱	%۰۰۰	۵۱۵	%۰۰۰	۲۳۰	جمع

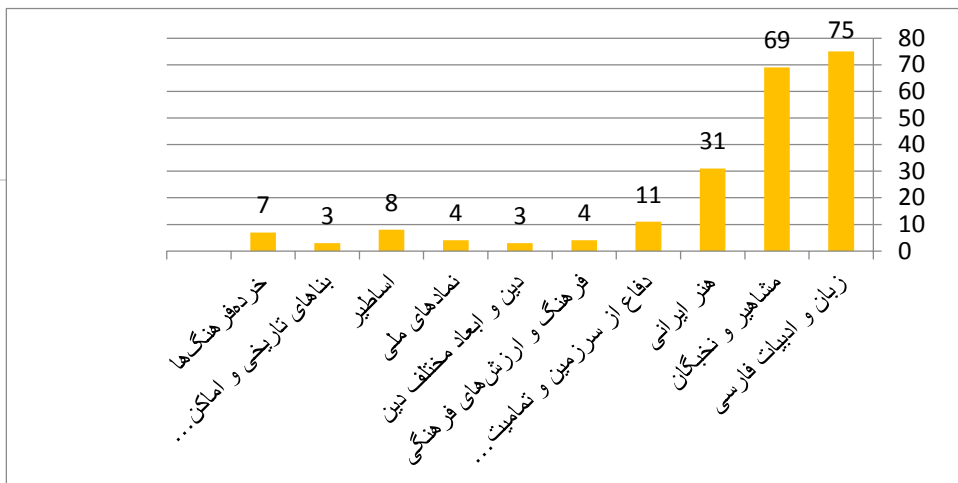
همان‌طور که داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد در فارسی پایه دهم بیشترین فراوانی مقوله مربوط به زبان و ادبیات فارسی با ۵۲ صفحه و کمترین مربوط به خرده‌فرهنگ‌ها با ۴ صفحه است. در فارسی پایه یازدهم بیشترین فراوانی، مربوط به مقوله زبان و ادبیات فارسی با ۷۵ صفحه و کمترین مربوط به مقوله دین و بناهای تاریخی و اماکن جغرافیایی با ۳ صفحه می‌باشد. در فارسی پایه دوازدهم بیشترین فراوانی مربوط به مقوله مشاهیر و نخبگان با ۸۲ صفحه و کمترین مربوط به مقوله نمادهای ملی با ۳ صفحه است.

۱۶

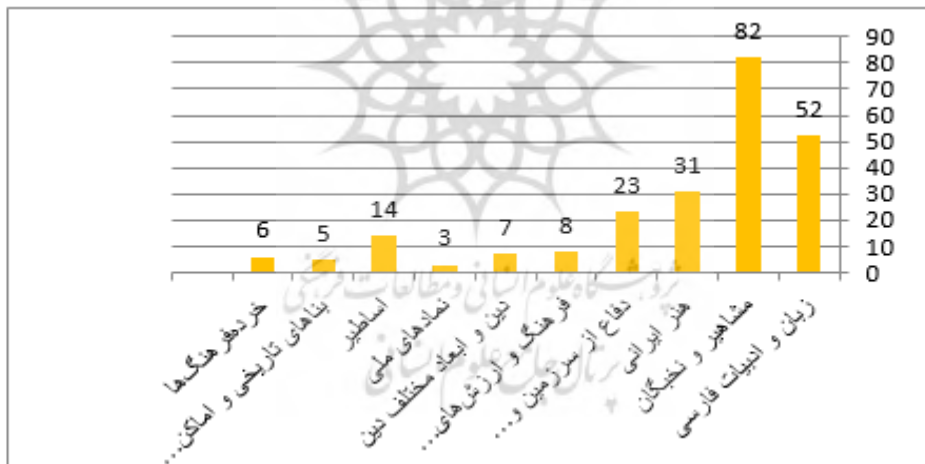
فصلنامه پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹



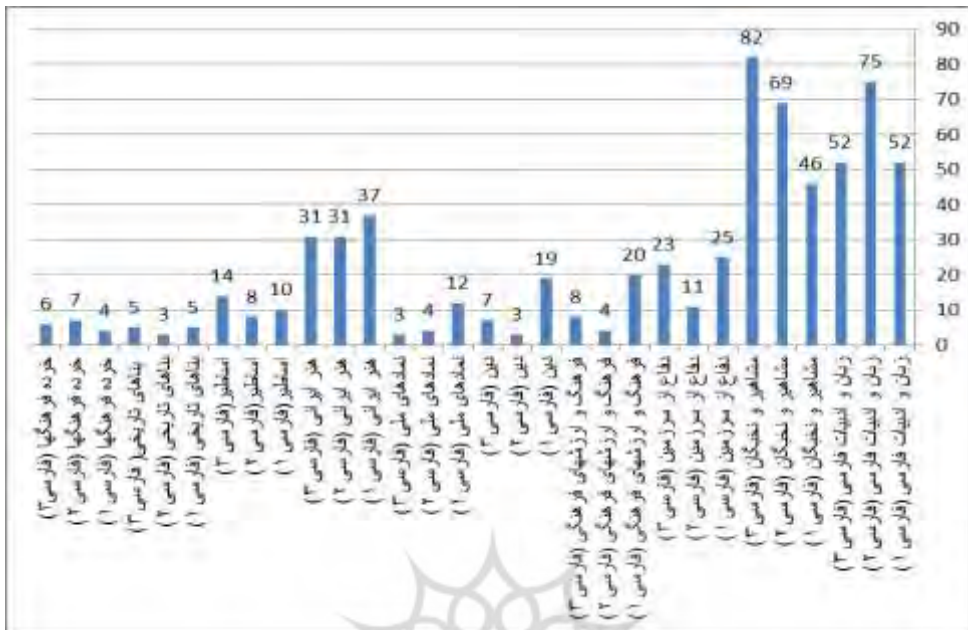
نمودار شماره ۱- فراوانی و درصد مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب فارسی ۱



نمودار شماره ۲- فراوانی و درصد مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب فارسی ۲



نمودار شماره ۳- فراوانی و درصد مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب فارسی ۳



نمودار شماره ۴- فراوانی مجموع مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی ۱، ۲ و ۳ دوره متوسطه دوم

نگاهی به نمودارهای ۱ تا ۳ و نمودار مقایسه‌ای شماره ۴، نشان می‌دهد که غنی‌ترین کتاب در زمینه مؤلفه‌های مورد نظر این پژوهش، کتاب فارسی پایه دهم است که نسبت به دو کتاب دیگر در ۶ مؤلفه‌ی اول توزیع یکسان‌تری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بحث هویت ملی از چالش‌برانگیزترین پدیده‌های اجتماعی قرن معاصر است که توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود معطوف داشته‌است؛ زیرا برخورداری از هویت مستقل و ممتاز در حیات فردی و جمعی آدمی به‌عنوان رکن اساسی به‌شمار می‌آید. به سخن دیگر، تمایزگذاری بین خود و دیگران به زندگی بشر معنا می‌بخشد و سبب تحرک و پویایی انسان می‌شود (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۴)؛ بنابراین پژوهش در این زمینه، تلاشی همه‌جانبه‌می‌طلبد. یکی از نهادهایی که می‌تواند تأثیری پایدار در بحث ترویج، توسعه و تثبیت هویت ملی داشته‌باشد، آموزش و پرورش است؛ اما انتقال فرهنگی از طریق تعلیم و تربیت، نیاز به ابزارهایی مؤثر دارد که برنامه‌های درسی و محتوای کتاب‌های درسی یکی از آنهاست. نقش کتاب‌های درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز که مبنا و محور اصلی همه فعالیت‌های آموزشی معلمان و دانش‌آموزان است، اهمیت به مراتب بیشتری

دارد. در میان کتاب‌های درسی، کتاب‌های فارسی «باید آئینه تمام‌نمای فرهنگ و یکی از مؤثرترین عوامل تقویت‌کننده هویت ملی هر کشوری باشد. در طول تاریخ بشری، زبان و ادبیات بیش از هر چیز دیگر، سرشت نهایی ملت‌ها را به ظهور رسانده و به‌خوبی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، آرمان‌ها و آرزوها و خلاصه شعور جمعی و آگاهی ملی ملت‌ها را نشان داده‌است. در این میان، زبان فارسی به منزله زبان رسمی، زبان فرهنگی و ملی همه ایرانیان، یکی از مؤلفه‌های مهم هویت و موجبات بقا و دوام ایران به‌عنوان یک کشور بوده است» (امین، ۱۳۸۴: ۷).

از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل کتاب‌های فارسی ۱، ۲ و ۳ متوسطه دوم انجام شده‌است. زبان یکی از قدرتمندترین ابزارهایی است که در تقویت، توسعه، حفظ و انتقال هویت ملی هر جامعه‌ای به کار می‌رود. زبان فارسی هم از این قاعده مستثنی نیست؛ بنابراین، در دوره متوسطه که دوره تثبیت هویت ملی هر فردی است، توجه به محتوای درس‌ها باید از عنایت ویژه‌ای برخوردار باشد. بنا به یافته‌های این پژوهش، مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در کتاب‌های درسی فارسی دوره متوسطه از توزیع یکسانی برخوردار نیست. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که در کتاب فارسی ۱ بیشترین درصد فراوانی مربوط به مشاهیر و نخبگان با ۵۲ صفحه و کمترین درصد فراوانی به خرده‌فرهنگ‌ها با ۴ صفحه اختصاص دارد. در کتاب فارسی ۲ بیشترین درصد فراوانی مربوط به زبان و ادبیات فارسی با ۷۵ صفحه و کمترین درصد فراوانی به بناهای تاریخی و دین با ۳ صفحه اختصاص یافته‌است. نیز در کتاب فارسی ۳ بیشترین درصد فراوانی مربوط به مشاهیر و نخبگان با ۸۲ صفحه و کمترین فراوانی به نمادهای ملی با ۳ صفحه است. نتایج و یافته‌های پژوهش پیش‌رو با پژوهش معروفی و پناهی توانا (۱۳۹۳)، جوکار و ساکی (۱۳۹۲)، منصوری و فریدونی (۱۳۸۸)، صادق‌زاده و منادی (۱۳۸۷)، صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶) و قلی‌زاده برهانی (۱۳۸۵) و منادی (۱۳۸۳) همسو است.

یکی از مؤلفه‌های مورد نظر، بحث دین است که در مجموع کتاب‌ها ۲۹ مرتبه به کار رفته‌است. بعد دینی یا مذهبی هویت از ابعاد مهم هویت به شمار می‌آید و رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله «هویت دینی» قابل تبیین است. لذا پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب است تا جایی که برخی صاحب‌نظران تعهد را سنگ زیربنای هویت دینی تلقی می‌کنند (بها، ۱۳۸۸: ۱۵۱). گروهی هویت ملی و دینی را در مقابل هم قرار می‌دهند و به باور آن‌ها فرد در نهایت یکی از این ابعاد را باید بپذیرد؛ اما به باور خامنه‌ای «هویت ملی در مقابل هویت دینی نیست؛ بلکه مجموعه باورها، خواست‌ها و رفتارهای یک ملت است و طبیعی است که اعتقادات و باورهای یک ملت مؤمن و موحد نیز جزء عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

نمادهای ملی با ۱۹ مرتبه در مجموع کتاب‌ها، بیانگر کم‌توجهی به این مقوله است؛ در صورتی که نمادهای ملی در آموزش هویت ملی به دانش‌آموزان باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وفاق و انسجام اجتماعی، داشتن تعلق و تعهد بالا به ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه است. از این رو، همه دولت‌ها در پی شناساندن تاریخ و فرهنگ خود به مردمان سرزمین خود هستند تا از این طریق به یکپارچگی در سطح ملی دست یابند (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲: ۲).

افزون بر این، مقوله فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی است که از جایگاهی درخور در کتاب‌های فارسی برخوردار نیست. ۳۲ مرتبه، نشان از کم‌توجهی به این مقوله است. از این رو، برنامه‌ریزان درسی باید میزان تأکید بر این مقوله را در کتاب‌های درسی مورد بازنگری قرار دهند؛ چراکه متزلزل شدن پایه‌های فرهنگی، اخلاقی و عقیدتی در کشور، نوعی آشفتگی علمی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی را به دنبال دارد و تنها راه پیش رو، بیداری این ملت و اعتماد آن‌ها به ارزش‌ها و باورهای خودی در جهت در پیش گرفتن مسیر رشد و اعتلاست (خزایی، ۱۳۸۷: ۵۲).

در بحث خرده‌فرهنگ‌ها باید گفت که میزان توجه به آن در دوره متوسطه با ۱۷ مرتبه بسیار ضعیف است. بدیهی است، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها کارکردهایی را به دنبال دارد. یکی از کارکردهای آن‌ها را می‌توان به این شکل توضیح داد که حضور خرده‌فرهنگ‌ها نشانه مبارزه گروه‌های جامعه برای کسب مشروعیت نسبت به رفتار و شیوه‌های زندگی خود در برابر زمینه‌ای است که فرهنگ مسلط و عمومی جامعه ارائه می‌دهد که در بسیاری موارد می‌تواند مفید واقع شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۵). مثلاً حفظ ارزش‌های فرهنگی و بومی ایران توسط ایرانیان ساکن سایر کشورها که برای تداوم و بقای فرهنگ ایرانی و مشروعیت بخشیدن به آن در برابر فرهنگ مسلط کشورهای بیگانه تلاش می‌کنند (به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ)، یکی از کارکردهای مثبت تشکیل خرده‌فرهنگ‌هاست. هم‌چنین خرده‌فرهنگ‌ها نقش مهمی در شناخت فرهنگ یک کشور دارند؛ زیرا آگاهی از تاریخ یک قوم و حوادثی که در طول قرون و اعصار بر آن گذشته را آشکار می‌سازند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۴۹). از آن‌جا که خرده‌فرهنگ‌ها تلویحاً نوعی نقد بر نظام اجتماعی و جامعه محسوب می‌شوند، خود فرهنگی موازی را به جریان می‌اندازند و امکان تجربه صورت‌های جایگزینی از واقعیت اجتماعی را که مبتنی بر ویژگی‌های طبقاتی، قومی، جنسیتی و ... هستند، فراهم می‌سازند. بر این اساس، خرده‌فرهنگ‌ها بستر اجتماعی و نمادینی را فراهم می‌سازند تا هویت جمعی و عزت نفس فردی افراد وابسته به خود را تقویت کنند. محدود بودن آن‌ها به زمان و مکان، انعطاف‌پذیری زیادی را برای ورود، خروج، ترکیب و تخصیص آن‌ها در اختیار افراد می‌گذارد. با این حال، کارکرد کلی آن‌ها، چنان‌که اشاره شد، رفع تضادها و تعارض‌های اجتماعی است که افراد در وضعیت‌های مختلف اجتماعی (مثل محیط کار، مدرسه، عرصه عمومی

جامعه)، با آن‌ها دست به گریباندند. به بیان دیگر، رواج خرده‌فرهنگ‌ها، به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیستم میلادی در غرب، پاسخی به تنگناها و محدودیت‌های ساختاری بود که بیگانگی و کنارگذاری اجتماعی گروه‌های غیر ممتاز و محروم طبقاتی را به دنبال داشت (ذکایی، ۱۳۸۱: ۲۲). بحث اساطیر از مباحث دیگری است که در تقویت هویت ملی کارکرد زیادی دارد. در کتاب‌های مورد نظر با ۳۲ مرتبه در جایگاهی متوسط قرار دارد. از این‌رو، نظریه سازه‌انگاری، ضمن تأکید بر ابعاد گفتمانی و تأثیر مسایل فرهنگی بر شکل‌گیری ذهنیت‌ها و هویت‌ها و همچنین ساخت بین‌الذهانی هویت بر شکل‌دهی تصورات و محصول نهایی این فرآیند، یعنی هویت، تأکید دارد. بر این اساس، اسطوره از طریق حفظ و انتقال مفاهیم مشترک و مؤثر که نقشی فرانسازی دارد، در تعریفی که انسان‌ها از خود و پیوندهای خود دارند، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند؛ این تداوم تعریف از هویت خود و تسری آن در سطح جامعه، زمینه‌های لازم برای هویت جمعی و ملی را فراهم می‌سازد (امینیان و مشهدی، ۱۳۹۱: ۳۱).

از آنجا که آموزش و پرورش تربیت شهروندانی مطلوب را که از لحاظ رفتاری، بتوانند تعلق اجتماعی، تعهد به دین و عشق به وطن را در خود تقویت کنند، بر عهده دارد. برنامه‌ریزی برای چنین اهداف بلندی، کاری بس طاقت‌فرسا و دشوار است و باید با کارشناسی و دقت خاص، محتوای کتاب‌های درسی را از ابتدایی تا سطوح عالی آموزش، به‌گونه‌ای طراحی نماید تا نسلی معتقد و مسئول نسبت به هویت ملی بارآورد. در جهت دست یافتن به این اهداف و با توجه به یافته‌های این پژوهش، کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه به‌عنوان کلیدی‌ترین ابزار هویت‌شناسی نوجوانان، فاقد برنامه‌ریزی درست در جهت رشد و تحکیم هویت ملی است و بازنگری کتاب‌های این دوره با تأکید بیشتر بر مؤلفه‌های دهگانه هویت ملی ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا در محتوای کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم مؤلفه‌های دهگانه مورد پژوهش، توزیع مناسب و یکسانی ندارد. به‌طور مثال، مؤلفه‌های زبان و ادبیات فارسی و مشاهیر از جایگاهی مطلوب برخوردار هستند. دفاع از سرزمین و هنر ایرانی از جایگاهی متوسط و سایر مؤلفه‌ها، جایگاهی ضعیف و بسیار کم دارند؛ بنابراین، نگارندگان این جستار پیشنهاد می‌کنند در یک بازنگری کلی در محتوای آن‌ها، به جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی توجهی شایسته و درخور شود. همچنین، کتاب‌های «علوم اجتماعی» و «دین و زندگی» متوسطه دوم نیز از منظر جایگاه هویت ملی بررسی شود تا نتایج دقیق‌تری از محتوای کتاب‌های درسی این دوره به دست آید. در این صورت می‌توان امیدوار بود که می‌شود از هر مذهب، زبان، قوم و فرهنگ، دانش‌آموزانی با هویت ملی قوی و ثابت تربیت نمود و زمینه اتحاد ملی را نیز به وجود آورد.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

یکی از محدودیت‌هایی که می‌توان در این پژوهش مطرح کرد، کم بودن حجم نمونه است. برای رفع این محدودیت، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، تمامی کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم مورد مطالعه قرار گیرد تا نتایج دقیق‌تری به دست آید؛ بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش، به برنامه‌ریزان، متخصصان تعلیم و تربیت و مؤلفان کتاب‌های درسی پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به مؤلفه‌های هویت ملی در اهداف برنامه‌های درسی داشته‌باشند. نیز، آشنایی معلمان با مؤلفه‌های هویت ملی جهت آموزش به دانش‌آموزان، ضروری به نظر می‌رسد. انجام تحقیق‌های مشابه در مقاطع دیگر و مقایسه نتایج با پژوهش حاضر، هم پیشنهاد می‌شود.

منابع

- اکبرزاده، نسربین (۱۳۸۳). روان‌شناسی رشد و تحول؛ گذر از نوجوانی به پیری. تهران: دانشگاه الزهراء(س).
- امین، سید حسن (۱۳۸۴). «نقش شعر کلاسیک بر هویت ملی». مجله ادبیات و زبان‌ها، شماره ۱۴: ۸-۵.
- امینیان، بهادر و مشهدی، سارا (۱۳۹۱). «نقش اسطوره‌ها در هویت ملی و ملت‌سازی: مورد ایران». نشریه ادبیات پایداری، سال سوم، شماره ۶: ۴۶-۲۷.
- برادر، رویا و غلامی، سمانه (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با مجله‌های فارسی کودکان در میزان پرداخت به نمادهای ایرانی». فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۲۸: ۳۴-۹.
- بهاء، افسانه (۱۳۸۸). «آسیب‌شناسی هویت نوجوانان و جوانان ایرانی در اداره کل امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور». مجموعه مقالات همایش گفتمان ایرانیان (هویت ایرانی). قم: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- جوکار، منوچهر و ساکی، بهمن (۱۳۹۲). «بررسی عناصر و مضامین دینی و میهنی در اشعار کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی». مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال ۴، شماره ۱ (۷): ۴۸-۲۱.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه». فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲، شماره ۵: ۲۲۸-۱۹۳.
- حسین‌خانی، هادی (۱۳۸۵). «نگاهی به تحولات دوران نوجوانی (جسمی، جنسی، شناختی و اخلاقی)». فصلنامه معرفت، شماره ۱۰۴: ۲۶-۳۳.
- خادمی، محسن؛ ساکتی، پرویز؛ فلاحی، ویدا (۱۳۸۶). «بررسی هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی؛ گرایش‌ها و شناخت‌ها». مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، سال ۸، شماره ۲: ۶۲-۴۳.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان سمنان در تاریخ 1385/8/18 در اداره کل فرهنگی ایرانیان خارج از کشور. مجموعه مقالات همایش گفتمان ایرانیان (هویت ایرانی)، قم: انتشارات بین‌المللی الهدی.

- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۹). معصومیت و تجربه، درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک. تهران: مرکز.

- خزایی، حسین (۱۳۸۷). «هویت و فرهنگ در عرصه فرهنگی ایران». نشریه زمانه، شماره ۷۰: ۵۲ - ۴۷.

- ربانی، علی و رستگار، یاسر (۱۳۹۲). «تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان». جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره ۵۰: ۵۰ - ۱.

- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- روپسینگه، تومار (۱۳۷۹). مدرنیزاسیون و خشونت، ترجمه اصغر افتخاری. تهران: سفیر.

- زهیری، علی‌رضا (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی و هویت ملی. قم: انجمن معارف اسلامی ایران.

- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱). «خرده‌فرهنگ، سبک زندگی و هویت». مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۱-۲۰: ۲۷-۲۰.

- سازگارا، پروین (۱۳۷۷). نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ. تهران: کویر.

- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه‌شناختی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.

- شاملو، سعید (۱۳۹۰). مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: انتشارات رشد.

- شمشیری، بابک (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت ملی. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی (۱۳۷۹). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.

- شولتز، دوان (۱۳۸۳). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و همکاران. تهران: نشر ارسباران.

- صادق زاده، رقیه و منادی، مرتضی (۱۳۸۷). «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ ادبیات دوره متوسطه: رشته علوم انسانی». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۷، شماره ۲۷: ۱۳۶ - ۱۲۵.

- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۹). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: سمت.

- کرچی، علی (۱۳۷۵). اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

_____ بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم...

- کوشا، محمدمهدی (۱۳۸۷). دانستنی‌های سیاست: هویت. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

- کوئن، بروس (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: فرهنگ معاصر.

- گنجی، حمزه و گنجی، مهدی (۱۳۹۱). نظریه‌های شخصیت. تهران: نشر ساوالان.

- لطف آبادی، حسین و نوروزی، وحید (۱۳۸۳). «بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن در تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۳، شماره ۹: ۸۸-۱۹.

- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری». فصلنامه مطالعات ملی، سال ۵، شماره ۲: ۶۳-۸۳.

- ماسن، پاول هنری؛ کیکان، جروم؛ هوستون، آلت کامل و کانجر، جان جین دی (۱۳۷۸). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.

- معروفی، یحیی و پناهی توانا، صادق (۱۳۹۲). «جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی - مذهبی در محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه». فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۲۰: ۱۰۴ - ۸۳.

- معمار، رحمت‌الله (۱۳۸۷). سنجش گرایش به هویت تاریخی. تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما، منتشر نشده.

- نجفی علمی، محمود (۱۳۸۹). «فناوری اطلاعات، نوجوانان و بحران هویت». ره‌آورد نور، شماره ۳۲: ۳۲ - ۱۲.

- ورجاوند، پرویز (۱۳۸۷). پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- همتی، ماندانا (۱۳۷۸). «زبان و هویت فرهنگی». مجموعه فرهنگ و جامعه، شماره ۱: ۱۲۳ - ۱۰۹.

- یوسفی، علی (۱۳۷۹). «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها». فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴: ۶۱ - ۱۱.

- یوسفی، محمدرضا و فلاحی، ویدا (۱۳۸۲). «برنامه‌ریزی درسی و تشکیل هویت». مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد (ویژه‌نامه هویت)، ج. ۴، شماره ۱: ۵۷۰ - ۵۴۳.

